



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Innovation and imitation in the eulogistic odes of the Persian Neo-Classicism Literary School

R. Bayat

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Tarbiat Dabir Shahid Rajaei University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 31 July 2021  
Reviewed: 01 September 2021  
Revised: 14 September 2021  
Accepted: 03 November 2021

KEYWORDS

Persian Neo- Classicism School,  
Literary criticism; Content and  
Theme, eulogistic and Shiite poetry,  
Praise and government-affiliated  
poetry.

\*Corresponding Author

✉ [bayat.dr@gmail.com](mailto:bayat.dr@gmail.com)

☎ (+98 21) 22970060

ABSTRACT

**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** In this article, the general features of the Neo- Classicism in the Persian literature that is called return school in the Farsi, are briefly reviewed. Then, one of the most important but neglected point of this school is scrutinized; That is, eulogistic and religious odes. Research on the poetry of Persian Neo- Classicism school generally focuses on two areas: first one, identifying anonymous poets and correcting their poetical works, and other studies have been done on the methods of imitation and the influence of well-known poets. It seems that the Scholars agree on lack of innovations and additions poetry on this period, and by this reason, poetry of this period from prior times to nowadays to be rarely present in textbooks and excerpts from Persian literature.

**METHODOLOGY:** This article examines the content of the poems of 16 poets in the desired period, verse by verse and provides statistics on the innovation of Persian Neo- Classicism poetry in the field of ritual poetry and stagnation, imitation and repetition in the poetry of government-affiliated poets of this era. From each poet, two poems have been analyzed, one about praise of Imam Ali and another one about Imam Reza. Data analysis was performed with Microsoft Excel software.

**FINDINGS:** According to this research, there is an inverse relationship between the fame and innovation of the poets of this period. Well-known poets such as Saba and Qaani suffer from a lack of content, and deep precise poets such as Ayati Birjandi, Soroush Esfahani and Elahi Ghomshei do not have a great reputation. This challenges the judgments of authors of the periods of Persian Literature and their judging criteria.

**CONCLUSION:** It is shown here that the most what is said about the Persian Neo- Classicism is based on the government-affiliated poets of this school and periods, not the Shiite poetry. The content of Shiite poetry in this period is completely changed and its quantitative and qualitative growth is palpable.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.15.6493](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.6493)

| NUMBER OF REFERENCES                                                                      | NUMBER OF TABLES                                                                         | NUMBER OF FIGURES                                                                          |
|-------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------|
| <br>29 | <br>2 | <br>7 |

## نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

### مقاله پژوهشی

#### نوآوری و تقلید در قصاید منقبتی مکتب بازگشت

#### رضا بیات

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** در این مقاله ابتدا مختصات عمومی مکتب بازگشت به اختصار مرور میشود. سپس به یکی از نکات مهم و مغفول‌مانده مکتب بازگشت پرداخته میشود؛ یعنی قصاید منقبتی و آیینی. پژوهشهای شعر دوره یا مکتب بازگشت منحصر است به دو حوزه: شناسایی شاعران گمنام و تصحیح دیوان آنها و دیگری بررسی شیوه‌های تقلید و تأثیرپذیری شاعران شناخته‌شده. گویی محققان اتفاق نظر دارند که شعر این دوره هیچ گونه نوآوری و افزوده‌ای ندارد و بر همین اساس است که شعر این دوره در درسنامه‌ها و گزیده‌های ادب فارسی حضور کم‌رنگی دارد.

**روش مطالعه:** این مقاله محتوا و مضمون شعر ۱۶ شاعر بازگشتی را بیت به بیت بررسی کرده و آماری گویا از نوآوری شعر بازگشت در عرصه شعر آیینی و رکود و تقلید و تکرار در شعر شعرای درباری این عصر بدست داده است. از هر شاعر، دو قصیده با موضوع مدح امام علی (ع) و امام رضا (ع) تحلیل شده است. تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار اکسل انجام شده است.

**یافته‌ها:** بر اساس این پژوهش، بین شهرت و نوآوری شاعران این دوره، نسبت معکوس وجود دارد. شاعران نام‌آوری مانند صبا و قانی دچار فقر محتوا هستند و شاعران عمیق و دقیقی مثل آیتی بیرجندی و سروش و الهی قمشه‌ای شهرتی بسزا ندارند. این نکته داوریهایی تاریخ ادبیات-نویسان و ملاکهای دآوری آنها را بچالش میکشد.

**نتیجه‌گیری:** عمده آنچه از مکتب بازگشت میگویند ویژگیهای شعر درباری بازگشت است نه شعر شیعی این دوره. محتوای شعر شیعی در این دوره کاملاً دگرگون میشود و رشد کمتی و کیفی آن قابل لمس است.

تاریخ دریافت: ۰۹ مرداد ۱۴۰۰  
تاریخ داوری: ۱۰ شهریور ۱۴۰۰  
تاریخ اصلاح: ۲۳ شهریور ۱۴۰۰  
تاریخ پذیرش: ۱۲ آبان ۱۴۰۰

#### کلمات کلیدی:

مکتب بازگشت، نقد ادبی، محتوا و مضمون، شعر منقبتی و شیعی، شعر مدحی و درباری.

\* نویسنده مسئول:

bayat.dr@gmail.com ✉

۰۶۰۲۲۹۷۰۰۶۰ (+۹۸ ۲۱) ☎

## مقدمه

پس از صفویه و کمی پیش از قاجار، مکتبی در شعر بوجود آمد که به مکتب بازگشت مشهور شد. اساس این مکتب بر تقلید از شعرای پیشین بود. این مکتب تا روزگار مشروطه یگانه شیوه شاعری بود و پس از مشروطه و در کنار شعر نو و جریانات بعدی هم به حیات خود ادامه داد. ازاینرو در این مقاله با دو مفهوم مواجهیم: عصر بازگشت که از عصر زندیه تا زمان مشروطه است و مکتب بازگشت که از زندیه شروع شده، در قاجار به اوج رسیده و تا کنون پا برجاست. در عموم کتب معتبر تاریخ ادبیات، عصر بازگشت عصر سستی و انحطاط شمرده میشود. آنقدرکه با کمی مسامحه میتوان ادعا کرد که نگاشته‌ها درباره سبک بازگشت برابر است با آسیب‌شناسی و نقد این مکتب. در کتب تاریخ ادبیات اصلیت‌ترین ایرادهای مکتب بازگشت این موارد است (ادوار شعر فارسی، شفیع کدکنی: صص ۱۹-۳۳). برای بررسی قصاید منقبتی این دوره، دو قصیده از شانزده شاعر برگزیده شد که این شاعران هم در منقبت امیرالمؤمنین (ع) سروده بودند و هم در منقبت امام رضا (ع). آنگاه مضامین این ۳۲ قصیده، استخراج و دسته‌بندی شد. داده‌های آماری تحلیل شد و بر اساس نتایج، نکاتی درباره تاریخ ادبیات و داوریهای مشهور درباره شعر عصر قاجار بدست آمد.

## بحث و بررسی

### ویژگیهای شعر دوره بازگشت

در اینجا به مهمترین ویژگیهای شعر این دوره اشاره میشود: تقلید: شعرای بازگشتی خود به این تقلید معترفند و به آن میبالند. آنان در قصیده پیرو شاعران سبک خراسانی و در غزل مقلد سخنوران سبک عراقی هستند. برخی از شاعران نه تنها در زبان، که در احساسات هم مقلدند و حتی سوزوگداز عاشقانه‌شان نیز تقلیدی و به دور از حقیقت است. دوری از اقتضای زمانه: این تقلید فقط در زبان صورت نگرفته، بلکه در مفاهیم و تصاویر شعری هم راه یافته و در موارد بسیاری گویی شاعران بازگشتی هفت یا هشت قرن پیش از خودشان میزیسته‌اند! خامدستی برخی شعرا:

الف) نشناختن زبان قرون پیشین: از آنجاکه این شعرا نه درباره اوضاع زمانه خود حرف میزنند و نه به زبان عصر خود میسرایند، با وجود تمام دقتها و تتبعات در دیوان گذشتگان، باز هم گاه‌گاه اشتباهاتی دارند. ب) دساتیر: نوآوری مهم این روزگار واژگان جعلی و بی‌پایه‌ای است که از کتاب دساتیر برگرفته شده؛ نوشته‌هایی که در عصر صفویان در هند نگاشته شد و به ایران آورده شد و نویسندesh مدعی بود نگاشته‌هایش در واقع کتاب مقدس پیامبری زرتشتی است که در روزگار ساسانیان میزیسته و کتابش پس از قرن‌ها پیدا شده است (مقاله دساتیر در مقدمه لغتنامه دهخدا، پورداوود).

در تحقیقاتی که درباره شعر عصر قاجار صورت گرفته معمولاً دو نکته مهم فراموش شده است: الف) زمانه سخیف: این نکته در اغلب کتب مغفول واقع شده است. اگر تعریف بازگشت تقلید صرف از گذشتگان باشد، عنصری و معزی هم بازگشتینند؛ ولی هیچ تاریخ‌ادبیات‌نویسی امیرمعزی را با فتحعلی‌خان صبا هم‌شان نمیداند؛ بالینکه صبا بواقع زبان‌آور است و کلام قدرتمندی دارد. نگارنده علت را در تفاوت ممدوحها میداند. هرچه باشد معزی مداح ملک‌شاه سلجوقی است که پهناورترین قلمرو ایران بعد از اسلام را دارد و وزیر کاردانی چون خواجه نظام را در کنار خود میبیند، ولی ممدوح صبا و قانانی فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه هستند که یک‌سوم از خاک

ایران را در ترکمانچای و گلستان و هرات ازدست دادند و امیرکبیرها را کشتند و ... هر ایرانی وطن‌دوستی از خواندن تاریخ قاجار بخشم می‌آید و طبیعتاً در همه مسائل آن عصر مته به خشخاش می‌گذارد و تا می‌تواند عیب می‌جوید تا به نوعی انتقام خود را از این عصر خفتبار گرفته باشد. در این میان میزان گناهکاری شاعرانی که چنین پادشاهانی را مدح گفته باشند روشن است.

بلی شاعری بود صاحبقران ز ممدوح صاحبقران عصری!

ب) منقبت‌سرایی: از نخستین و تأثیرگذارترین نویسندگان تاریخ ادبی ایران به شیوه علمی میتوان ادوارد براون (۱۹۰۶م/ ۱۲۸۵ش) و پنجاه سال پس از او یان ریپکا (۱۹۵۶م/ ۱۳۳۵ش) را نام برد. تقریباً تمام تاریخ ادبیات-نویسان بعدی از این دو تأثیر گرفته‌اند. این دو محقق شاعران عصر صفوی را چندان ارجی نمی‌نهند و جریان اصلی شعر آن روزگار را در دربار هند می‌جویند و در روزگار بازگشت هم عمدتاً به شعر درباری امثال قآنی و صبا می‌پردازند. نکته مشترکی که در این دو دوره از نگاه ریپکا و براون و اتباعشان پوشیده میماند ادبیات شیعی است. اما نکته‌ای درخور تأمل: ریپکا یهودی است و چندان متعصب که یک فصل از هشت فصل کتابش درباره سروده‌ها و نوشته‌های یهودیان به زبان فارسی است (رک. نظریه تاریخ ادبیات، فتوحی رودم‌معجی: ص ۲۵۸). براون هم انگلیسی است و مبلغ بابیت و بهائیت و دیگر فرق انحرافی (رک: همان: صص ۲۳۲-۲۳۴). این دو نکته ذهن را وسوسه میکند که غفلت این محققان از ادبیات شیعی را چندان اتفاقی تلقی نکند.

ادبیات شیعی مکتب بازگشت غالباً در دو قالب قصیده و مثنوی دنبال میشود؛ قصیده برای منقبت‌سرایی و مثنوی برای منظومه‌های حماسی شیعی. در این نوشته عمدتاً به قصاید مناقبی پرداخته خواهد شد.

### قصاید عصر قاجار

قصاید عصر بازگشت به سبک خراسانی سروده میشوند و محتوای عمومی قصاید هم مدح و منقبت است. در این مقاله برای سهولت کار، واژه مدح مختص ستایش شاهان و حاکمان بکار برده میشود و واژه منقبت برای ستایش بزرگان دین.

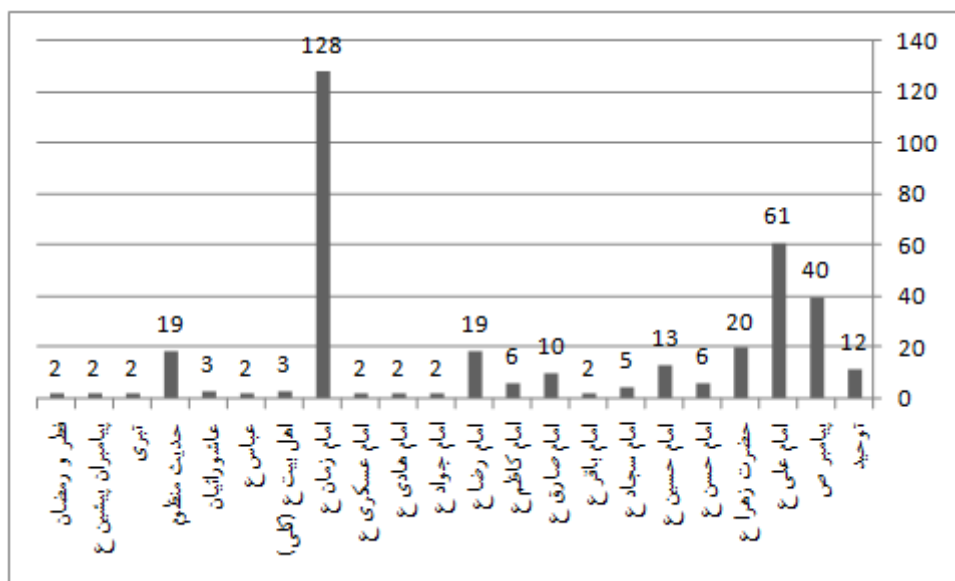
حجم مدح و منقبت: در این زمینه وضع همه شعرا یکسان نیست؛ برخی شعرا مداحند و برخی منقبت‌سرا و برخی بینابین. بعنوان مثال اگر دامنه شعر مذهبی را از توحید بگیریم تا مدح امام‌زاده‌های گمنام و ذکر بنای مسجد، صبا در ۲۰۵ قصیده‌ای که از خود به جا گذاشته تنها ۱۸ شعر مذهبی دارد که از همین ۱۸ شعر هم ۱۲ مورد به مدح فتحعلی شاه و ... ختم شده است. برای صبا بنای مسجد و حمام و تذهیب حرم قم تفاوتی ندارد. مهم این است که در همه اینها فتحعلی شاه مدح شود که بانی این ابنیه خیر است. اما شاعری مثل وصال با وجود مداحی، اعتقادات سالمی هم دارد که دامن آنها را به مدح نیالوده است. دیوان او علاوه بر ۸۹ صفحه‌ای که مستقلاً به مناقب و مراثی اختصاص داده، در میان ۲۵۹ قصیده مدحی هم ۱۴ قصیده منقبتی و آیینی دارد. ضمن اینکه جلد دوم دیوان او در ۹۹۰ صفحه کاملاً به غزلیات او اختصاص یافته است و نشان میدهد که او بیشتر غزل‌سراست تا مدیحه‌سرا. در این نوشته، امثال وصال را شاعر بینابین مینامیم. شعرای منقبت‌سرا تمام یا اغلب دیوانشان را به مناقب و مراثی اختصاص داده‌اند که البته هرچه از صدر بازگشت بسمت روزگار معاصر می‌آییم، اینگونه شاعران بیشتر دیده میشوند؛ شاعرانی مثل فؤاد کرمانی (۱۳۵۸ق.)، آیت‌الله غروی (۱۳۶۱ق.)، صغیر اصفهانی (۱۳۴۹ق.)، و ...

این نکته نباید فراموش شود که شاهان قاجار به هر حال دلبسته مذهب بودند و برخی از آنان خود شعر منقبتی می‌سرودند. بنابراین طبیعی است که شاعری مثل صبا در کنار منظومه شاهنشاه‌نامه خود که در وصف جنگهای

فتحعلی شاه است، خداوندنامه‌ای هم در وصف پیامبر (ص) بسراید؛ در واقع در این روزگار، شعر مذهبی هم خوشایند حاکمان است و برای شاعران درباری جذاب است. همچنین طبیعی است که در شاعران بازگشتی پس از مشروطه، منقبت‌سرای محض بیشتر داشته باشیم؛ اینان کسانی‌اند که فارغ از مناسبات درباری و حکومتی، بنا به اعتقاد خود منقبت‌سرایی می‌کنند و پس از رفتن قاجار دین‌پناه و روی کار آمدن پهلوی دین‌گریز و دین‌ستیز، در عالم خارج هیچ مشوقی برای سرودن شعر مذهبی ندارند؛ لذا اگر چیزی می‌گویند صرفاً بنا به نیت درونیشان است.

### موضوعات مناقب

شفیعی کدکنی در تحلیل فتنه باب و بهاء می‌گوید علاقه روزافزون مردم به امام زمان (ع) باعث شد که برخی از آنان طاقت ازدست بدهند و به اولین کسی که ادعای بابیت و ارتباط با امام زمان (ع) کند دست ارادت دهند (با چراغ و آینه، شفییعی کدکنی: ص ۷۸) این مسئله در شعر منقبتی این دوره هم بخوبی جلوه‌گر است. عبرت نائینی که خود شاعر همین روزگار است در تذکره مدینه / لادب از هر شاعر چند شعر نقل می‌کند. اولاً بسیاری از این اشعار مذهبی است و جریان پررنگ شعر منقبتی در روزگار شاعر را نشان می‌دهد و دیگر اینکه حجم این اشعار به تفکیک ممدوح، ادعای شفییعی کدکنی و مهدی‌خواهی مردم آن روزگار را تأیید می‌کند:



در این نمودار سه نکته قابل توجه است:

الف) حجم اشعار مهدوی بیش از دوبرابر مناقب علوی است؛ با آنکه طبق عادت توقع می‌رود مدایح امام علی (ع) از حیث حجم بی‌رقیب باشد.

ب) تمامی معصومین منقبت دارند و هیچ بزرگواری مغفول واقع نشده است.

ج) حجم سروده‌ها برای امام حسین (ع) بسیار کمتر از توقع است. علت این امر شاید این باشد که مراثی امام حسین (ع) عمدتاً در قالبهای مثنوی یا نوحه سروده شده درحالیکه اشعار برگزیده مدینه/لادب بیشتر قصیده و غزل است.

### دلایل گزینش ممدوحان

این دو امام به دو جهت انتخاب شدند: شباهت از جهت کثرت مدیحه در دیوان شاعران و تفاوت از حیث کثرت مناقب مأثور.

طبیعتاً هیچ امامی به اندازه امیرالمؤمنین (ع) مناقب قرآنی و روایی ندارد. یکی از وجوه تمایز امام علی (ع) از دیگر امامان این است که ایشان بخاطر هم‌عصری با پیامبر (ص) و حضور همیشگی در صحنه‌های مهم و حساس تاریخ اسلام، در مأثورات حضور پررنگی دارد. این مأثورات را میتوان در چهار گروه دسته‌بندی کرد:

شأن نزول آیات: آیات متعددی مثل اولی الامر<sup>۱</sup>، ابلاغ<sup>۲</sup>، انذار<sup>۳</sup> و ...

تأویل آیات: بسیاری از آیات را پیامبر (ص) و دیگر امامان (ع) به امام علی (ع) تأویل کرده‌اند؛ آیاتی مثل: الصراطُ المستقیم<sup>۴</sup>، لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ<sup>۵</sup> و ...

حدیث: مقصود از حدیث کلامی است که مستقیماً از زبان پیامبر (ص) نقل شده باشد؛ مثل منزلت<sup>۶</sup>، غدیر<sup>۷</sup> و ... تاریخ: مواردی است که فضیلت امام علی (ع) از زبان پیامبر (ص) نقل نشده؛ بلکه عموم مردم گزارش کرده‌اند و ما از طریق مورخان بدان فضایل دست یافته‌ایم؛ مثل شرح جنگها و دلاوریها و نیز اخبار و اتفاقات دوران خلافت امام علی (ع).

وجوه اشتراک امام علی (ع) و امام رضا (ع) این دو مورد است:

<sup>۱</sup> - یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ... (نساء: ۵۹). تمام تفاسیر شیعی و بسیاری از تفاسیر سنی نزول این آیه را در شأن امام علی (ع) دانسته‌اند. بعنوان نمونه: شواهد التنزیل، خسکانی، ج ۱: ص ۱۸۹.

<sup>۲</sup> - یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ... (مائدة: ۶۷). تمام تفاسیر شیعی و اکثر تفاسیر سنی این آیه را مربوط به ابلاغ امامت علی (ع) در غدیر خم دانسته‌اند. نمونه: شواهدالتنزیل، خسکانی، ج ۱: ص ۲۳۹.

<sup>۳</sup> - وَ أَنْذِرْ غَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ (شعراء: ۲۱۴). این آیه به دعوت عمومی و علنی اسلام منجر شد و در اولین دعوت پیامبر (ص) همراه با نبوت خود، وصایت و جانشینی امام علی (ع) را نیز اعلام کرد. این واقعه به «یوم الدار» و این آیه به «انذار» شهرت یافته‌اند (رک. مجمع البیان، طبرسی، ج ۷: ص ۳۲۳).

<sup>۴</sup> - بسیار روایت شده است که مقصود از راه راست در «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» (حمد: ۶) امیرالمؤمنین (ع) است. نمونه: معانی الاخبار، صدوق (ابن بابویه)، ص ۳۲.

<sup>۵</sup> - ... إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (رعد: ۷). پیامبر (ص) فرموده‌اند که «منذر» منم و «هادی» علی است. منابع بسیاری این مضمون را نقل کرده‌اند. نمونه: بصائر الدرجات، صفار، ج ۱: ص ۲۹.

<sup>۶</sup> - یا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى غَيْرَ أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي. از مشهورترین احادیث نبوی است که نخستین کتب اسلامی آن را ثبت کرده‌اند. نمونه از قرن دوم: وقعة الصفین، نصر بن مزاحم: ص ۳۱۵.

<sup>۷</sup> - مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ. بطور مطلق، بیشترین تواتر و نقل در بین احادیث نبوی مربوط به حدیث غدیر است. جلد اول کتاب/غدیر به ذکر اسناد این حدیث در کتب روایی اختصاص دارد و ۱۰ جلد بعدی، به شاعرانی که این واقعه را به زبان شعر روایت کرده‌اند پرداخته است.

هر دو امام فعالیت سیاسی- اجتماعی داشته و در معرض دید مردم بوده‌اند؛ امام علی (ع) دوره‌ای خلیفه بوده و امام رضا (ع) دوره‌ای کوتاه ولیعهد خلیفه بوده؛ همچنین در جریان سفرش به ایران، مردمان بسیاری ایشان را دیده‌اند.

احادیث نقل شده از هر دو امام زیاد است و از روزگاران کهن، احادیث این دو امام بشکل کتبی مستقل و مشهور در دسترس بوده است؛ اقوال امام علی (ع) در نهج البلاغه (شریف رضی، قرن ۴) و نیز غرر الحکم (آمدی، قرن ۵) جمع شده و اقوال و اخبار امام رضا (ع) در عیون الاخبار/الرضا (صدوق یا ابن بابویه، قرن ۴). بنا به دلایل فوق، ۱۶ قصیده علوی و ۱۶ قصیده رضوی بعنوان متن مورد پژوهش انتخاب شدند.

### دلایل گزینش شاعران

شرط آغازین برای انتخاب شاعران آن بود که برای هر دو امام شعر سروده باشد. اگر فارغ از نام شاعر، مثلاً ۲۰ قصیده علوی و ۲۰ قصیده رضوی انتخاب میشد، ممکن بود تفاوت محتوا را به تفاوت سطح و سلیقه شاعران ربط بدهیم، اما در شرایطی که گوینده دو متن یک نفر باشد، مقایسه دقیقتر میشود. دیگر اینکه شاعران از تمام دوران بازگشت انتخاب شدند؛ اگر همه شاعران از معاصران فتحعلی شاه یا مثلاً نیمه دوم عصر ناصری انتخاب میشدند، ممکن بود شرایط خاص یک دوره تاریخی خاص را بر نتیجه پژوهش تأثیرگذار بدانیم؛ درحالیکه با گزینش فعلی این نگرانی به حداقل میرسد. تنوع جغرافیایی و نیز تنوع مشرب شاعران نیز موضوعیت دارد. درباری و آزاده، سیاسی و غیرسیاسی، عارف، عالم دینی، عامی و ... همه طیفها در این انتخاب حضور دارند. در ادامه، نام شاعران به ترتیب سال وفات آمده است. همچنین وجه غالب زندگی فکری و فرهنگی آنان نیز ذکر شده است.

- صبای کاشانی، فتحعلی خان (۱۱۷۹-۱۲۳۸ق). شاعر درباری.  
 صحبت لاری، ملامحمدباقر (۱۱۶۲-۱۲۵۱ق). عالم دینی.  
 وصال شیرازی، میرزا محمدشفیع (۱۱۹۷-۱۲۶۲ق). شاعر مذهبی. هنرمند.  
 قآنی شیرازی، میرزا حبیب‌الله (۱۲۲۲-۱۲۷۰ق). شاعر درباری.  
 سروش اصفهانی، میرزامحمدعلی (۱۲۲۸-۱۲۸۵ق). شاعر مذهبی. شاعر درباری.  
 همای شیرازی، میرزامحمدعلی (۱۲۱۲-۱۲۹۰ق). شاعر درباری، عارف.  
 جیحون یزدی، میرزامحمد (۱۲۵۳-۱۲۹۹ق). شاعر مذهبی. شاعر درباری.  
 صبوری کاشانی، میرزا محمدکاظم ملک‌الشعراء (۱۲۷۰-۱۳۲۲ق). شاعر درباری.  
 صفای اصفهانی، محمدحسین (۱۲۶۹-۱۳۲۲ق). حکیم. عارف. عالم دینی.  
 طرب اصفهانی، محمدنصیر (۱۲۷۶-۱۳۳۰ق). خوشنویس.  
 ادیب‌الممالک فراهانی، سیدمحمدصادق (۱۲۷۷-۱۳۳۶ق). سیاسی.  
 غروی اصفهانی (کمپانی)، محمدحسین (۱۲۹۶-۱۳۶۱ق). مجتهد. فیلسوف.  
 بهار، محمدتقی ملک‌الشعراء (۱۳۰۵-۱۳۷۱ق). سیاسی. ادیب.  
 صغیر اصفهانی، محمدحسین (۱۳۱۲-۱۳۹۰ق). عارف.  
 آیتی بیرجندی، شیخ محمدحسین (۱۳۱۰-۱۳۹۱ق). مجتهد.  
 الهی قمشه‌ای، محیی‌الدین مهدی (۱۳۱۹-۱۳۹۳ق). مجتهد. عارف. حکیم.

### معرفی اشعار

اشعار در جدول زیر، بر اساس سال وفات شاعر مرتب شده‌اند. مطلع و منبع این ۳۲ قصیده به شرح زیر است:  
قصاید علوی:

|       |                                                |                                           |                      |
|-------|------------------------------------------------|-------------------------------------------|----------------------|
| صبا   | مهر و وفا طلب ز مدار فلک<br>مدار               | کان را مدام بوده به جور و جفا<br>مدار     | یک قطره از دریا: ۱۲۸ |
| صحبت  | هی‌هی گلست این کاینچنین<br>سرخوش به بازار آمده | یا سرخ‌رو ترکی ز چین با فرّ<br>فرخار آمده | مناقب علوی: ۶۵       |
| وصال  | ای برده آسمان ز تو رفعت به<br>التماس           | وز سایه تو جسته لباسی به<br>التباس        | همان: ۶۷             |
| قائنی | بجز لب تو کزو گفت شکرین<br>خیزد                | که دیده لعل کزو جوی انگبین<br>خیزد        | همان: ۷۱             |
| سروش  | دارد دو دست ایزد دادار هر دو<br>راست           | یکدست مصطفی و دگر دست<br>مرتضاست          | همان: ۷۵             |
| هما   | چون نجات هر دو عالم شد<br>ولای مرتضی           | در دو عالم مگسل از دامان او<br>دست ولا    | همان: ۶۹             |
| جیحون | مست از غدیر خم نگر مهر و مه<br>و ارض و سما     | آری مجو هوشی دگر چون شد<br>سقاییت با خدا  | همان: ۷۷             |
| صبوری | امروز روز رونق دین پیمبر است                   | امروز روز جلوه آئین داور است              | همان: ۸۷             |
| صفا   | دیدم شکسته طره مشکین را                        | آن ترک خلّج و چِگِل و چین را              | همان: ۸۵             |
| طرب   | امروز روز رحمت دادار داور<br>است               | روز ولادت اسدالله حیدر است                | طرب: ۸۸              |
| ادیب  | باد نوروزی ز روی گل نقاب<br>انداخته            | زلف سنبل را همی در پیچ و<br>تاب انداخته   | مناقب علوی: ۸۹       |
| غروی  | بوی گل و سنبل است یا که<br>هوای بهار؟          | زمزمه بلبل است یا که نوای<br>هزار؟        | دیوان کمپانی: ۲۲     |
| بهار  | دل من خواهی ای ترک و<br>ندانی که خطاست         | از چو من عاشق دل‌باخته جان<br>باید خواست  | مناقب علوی: ۹۱       |
| صغیر  | چه خوش گفت الحق رسول<br>مصدق                   | که حق با علی و علی هست با<br>حق           | همان: ۱۰۴            |
| آیتی  | شاه جهان امیر مظفر علی علی                     | کوه شکوه و شاه فلک فر، علی<br>علی         | در غلطان: ۸          |
| الهی  | به سیزده از رجب گشت عیان<br>شاه دین            | کعبه شد از مولدش قبله اهل<br>یقین         | شکوفه‌های عرفان: ۳۰۷ |



قصاید رضوی:

|       |                                            |                                         |                |
|-------|--------------------------------------------|-----------------------------------------|----------------|
| صبا   | شبانگه فروهشت چون پرده بیضا                | به گردون سراپرده زد ظل غربا             | مدایح رضوی: ۹۲ |
| صحبت  | ریزد ز شوق جانان خیزد ز یاد منزل           | چون رود آبم از چشم چون دود<br>آهم از دل | همان: ۱۰۱      |
| وصال  | قضا بس تیزچنگال است و<br>سندان خای دندانیش | ندانم غیر تسلیم و رضا کس مرد<br>میدانش  | همان: ۱۰۷      |
| قائنی | زهی به منزلت از عرش برده فرش<br>تو رونق    | زمین ز یمن تو محسود هفت کاخ<br>مطبق     | همان: ۱۱۲      |
| سروش  | دم بهار بیاراست باغ چون طاووس              | شدست شاخ مرصع چو تاج<br>کیکاووس         | همان: ۱۱۷      |
| هما   | زهی بارگاہت بر از عرش اعظم                 | به تعظیم تو پشت نه آسمان خم             | همان: ۱۲۰      |
| جیحون | خورشید گریزان بودت در خم<br>گیسو           | زین حلقه بدان حلقه و زین سوی<br>بدان سو | همان: ۱۳۲      |
| صبوری | نوروز فراز آمد با لاله بستانی              | از لاله‌رخی ساغر وقت است که<br>بستانی   | همان: ۱۳۸      |
| صفا   | امروز باز گیتی در نشو و در<br>نماست        | حشر است این که در بنه بوستان<br>به پاست | همان: ۱۴۰      |
| طرب   | دوباره دور جوانی گرفت عالم پیر             | یکی ز فصل بهار و یکی ز عید<br>غدیر      | همان: ۱۵۱      |
| ادیب  | جهان جوان شد و عمر دوباره<br>باز آورد      | به روی بهمن و اسفند در فراز<br>آورد     | همان: ۱۵۶      |
| غروی  | برید باد صبا خاطری پریشان<br>داشت          | مگر حدیثی از آن زلف عنبرافشان<br>داشت   | همان: ۱۷۳      |
| بهار  | بگرفت شب ز چهره انجم نقابها                | آشفته شد به دیده عشاق خوابها            | همان: ۱۷۶      |
| صغیر  | طلوع شمس ندیدی ز نجم اگر<br>محسوس          | بین ز نجمه به عالم طلوع شمس<br>شموس     | همان: ۱۹۶      |
| آیتی  | به تخت حسن چو کردی به صد<br>کرشمه جلوس     | زدند بر سر بام فلک به نام تو<br>کوس     | همان: ۲۰۴      |
| الهی  | من بنده‌ام شهنشه ایمان را                  | سلطان دین شهید خراسان را                | همان: ۲۰۹      |

در گام بعد حجم سروده‌ها و نیز حجم منقبت‌سرایی مفید آنها سنجیده شد. تغزلات ابتدای قصاید جزو منقبت‌سرایی مفید محسوب نشدند. این مهم است که شاعر چه مقدار از قصیده منقبتیش را به ذکر بهار و فتنه

روزگار و شرح احوال خود و ... بگذراند و چه مقدار به منقبت ممدوح. این مسئله میتواند نشان‌دهنده میزان اطلاعات و فهم شاعر باشد. در گام بعد محتوای ابیات به پنج دسته تقسیم شد که هر دسته با ذکر نمونه‌ای معرفی میشود: **مأثورات مشهور در ادبیات:** آیات و احادیث و اخباری که در دواوین شعرای خراسانی و عراقی هم یافت میشود و به احتمال زیاد شاعر آنها را از دیوانها آموخته نه از کتب روایی و ... :

نهادی تو بر فرق او تاج «عَلَم» که آدم علم زد بر از عرش اعظم (همای شیرازی)  
این آیه نزد اهل ادب مشهور است که «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا...»: «و خداوند همه اسمها را به آدم آموخت» (بقره: ۳۱).

شاهنشاه عالم علی، بخشنده خاتم علی فخر بنی آدم علی کز بدو سالار آمده (صحبت لاری)  
اینکه امام علی (ع) در رکوع نماز انگشتی بخشید و آیه‌ای درباره‌اش نازل شد، از مشهورات فریقین است. «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»: «ولی و سرپرست شما تنها خداوند است و پیامبر او و (نیز) آنانند که ایمان آورده‌اند، همان کسان که نماز برپا میدارند و در حال رکوع زکات میدهند» (مائده: ۵۵) (رک. مجمع البیان، طبرسی، ج ۳: ص ۳۲۶؛ کشف‌الاسرار، میبیدی، ج ۳: ص ۱۴۹).

اگر به طور تجلی کند فروغ فضایت شود ز جلوه آن طور چون تراب مدقق (قائنی شیرازی)  
داستان تجلی خداوند بر کوه طور و ازهم پاشیدن کوه از مشهورات ادبیات سنتی فارسی است. «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَ كَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرْنِي أَنظُرُ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَ لَكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعِقًا...»: «و چون موسی به وعده‌گاه ما آمد و پروردگارش با وی سخن سر کرد، گفت: پروردگارا! خویش را به من بنمای تا در تو بنگرم، فرمود: مرا هرگز نخواهی دید؛ اما در این کوه بنگر! اگر بر جای خود استوار ماند مرا نیز خواهی دید و همین که پروردگارش بر آن کوه تجلی کرد، آن را با خاک یکسان ساخت و موسی بیهوش افتاد...» (اعراف: ۱۴۳).  
**مأثورات غیرمشهور:** آیات و احادیث و اخباری که در دواوین پیشین بی‌سابقه یا بسیار کم‌سابقه است و به احتمال بسیار حاصل مطالعات مذهبی شاعر است و در این دوره است که برای نخستین بار در ادبیات مطرح میشود:

گاهی ز خرق عاده شد سرکه از تو باده گه صورت و ساده غرنده شیر هایل (صحبت لاری)  
طبق نقل روایات، حمیدبن مهران، حاجب مأمون، منکر مقام و معجزات امام رضا (ع) بود و در مجلسی جسارت را از حد گذراند و از امام (ع) خواست که اگر در ادعای امامت خود صادق است، معجزه‌ای شبیه پیامبران بیاورد. به امر امام (ع) دو نقش شیر که بر روی مسند مأمون تصویر شده بودند، زنده شدند و حمیدبن مهران را خوردند و سپس به حال نخست خود برگشتند؛ معجزه‌ای شبیه عصای موسی که ریسمانهای ساحران را بلعید (الخرائج و الجرائح، قطب‌الدین راوندی، ج ۲: ص ۶۵۹؛ بحارالانوار، ج ۴۹: ص ۱۸۴). این معجزه پیش از این در شعر فارسی طرح نشده یا طرح شده و گمنام مانده است.

هر هرزه را چه زهره که زهرا طمع کند؟      الا شهی که زهره به بامش کند تماس (وصال شیرازی)

از عایشه نقل است که از پیامبر (ص) سؤال کردند که برترین خلق بعد از شما کیست و ایشان ستاره‌ای در آسمان را نشان داد و گفت: برترین شخص پس از من کسی است که این ستاره در خانه او فرود آید. پیوسته چشم به آسمان دوخته بودیم تا اینکه آن ستاره در خانه علی فرود آمد (تفسیر فرات کوفی. ج ۱: ص ۴۴۹).

**مدایح عام:** مدایحی که برای هر ممدوحی قابل ذکر است: از سلطان محمود گرفته تا ناصرالدین شاه و حسنعلی میرزای قاجار. سرودن اینگونه ابیات، از مهارت‌های شاعران درباری است و معمولاً از سنخ زبان‌بازیه‌ها و چرب‌زبانی‌های بی‌پایه است. بسیاری از ابیات مناقبی نیز چنین حکمی دارند:

شها نظام جهان آنگهی به سامان شد      که از ذخایر مهر تو بآرگ و ساز آورد (ادیب الممالک)

وهم از تو بر شدن نتواند به پای جهد      زان رفعت تو را به فلک میکند قیاس (وصال شیرازی)

شیر فلک در چنگ او، چنگ پلنگ آونگ او      ببر بیان ز آهنگ او، مسکین به زنهار آمده (صحبت لاری)

به روز عرض سخا صد هزار گنج گهر      ز آستین تاو ای شاه راستین خیزد (قائمی شیرازی)

**مناقب عام:** مشخصاً منقبت معصومین (ع) است و بعد معنوی و آسمانی دارد؛ اما چنان نیست که مخصوص یکی از بزرگواران باشد و میتوان آن را برای هریک از معصومین خواند:

هر کس که ندارد دست امروز به دامانش      فردا گزد از حسرت انگشت پشیمانی (ملک الشعراء صبوری)

از نور قبه تو بپذرفته روشنی      آیینۀ سپهر به آیین انعکاس (وصال شیرازی)

نه انبیا را جز بر صراط اوست روش      نه اولیا را جز بر بساط اوست رؤوس (سروش اصفهانی)

**مناقب خاص:** منقبتی که مخصوص یک معصوم است و طبق قرائن موجود در بیت، قابل تطبیق بر دیگر معصومین (ع) نیست. قرینه ممکن است نام امام، یا نام خاص مکان منسوب به امام، یا یکی از معجزات یا مناقب مأثور اختصاصی آن امام باشد. طبعاً هرچه چنین ابیاتی در کلام یک شاعر بیشتر باشد، کثرت مطالعه و سواد آن شاعر درباره آن امام را نشان میدهد. نمونه:

رایت فراز تبغ‌زن، مرحب‌کش و حارث‌فکن      خندق‌جه و خیبرشکن، کش نعت کرآر آمده (صحبت لاری)

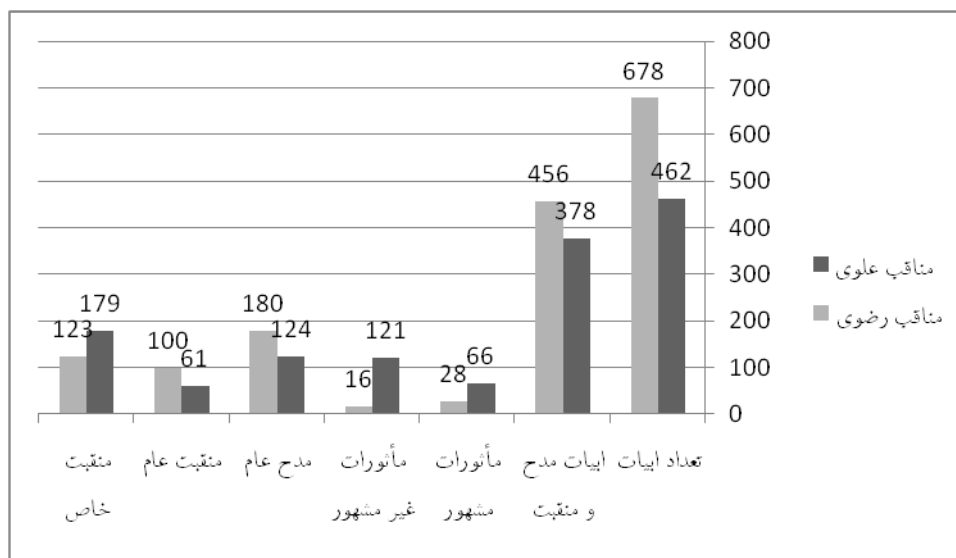
مرحب خیبری و حارث‌بن ابی‌طلحه (پرچمدار کفار در احد) از مشهورترین پهلوانانی هستند که به شمشیر امام علی (ع) کشته شده‌اند (رک. الخصال، صدوق. ج ۲: ص ۵۷۹؛ تفسیر قمی. ج ۱: ص ۱۱۳).

منصب شاهنشهی چبود؟ مقام بندگی      بر در نوباوه موسی‌بن جعفر داشتن (ملک الشعراء بهار)

جز او به مجلس مأمون که خوار کرد و خجل      مقدمان نصارا و موبدان مجوس؟ (سروش اصفهانی)

داستان مناظره امام رضا (ع) با نمایندگان مذاهب مختلف در دربار مأمون از مشهورترین وقایع مربوط به امام هشتم است (رک. عیون الاخبار الرضا (ع)، صدوق. ج ۱: صص ۱۵۴ - ۲۰۴).

ابتدا نمودار فراوانی این پنج دسته در مناقب علوی و مناقب رضوی عرضه میشود:

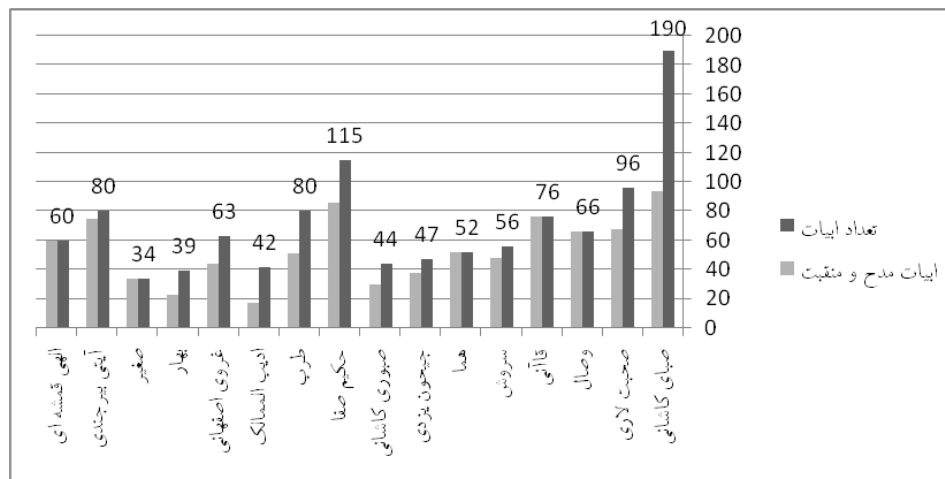


چنانکه ملاحظه میشود هرچندکه تعداد ابیات مناقب رضوی بسیار بیشتر از مناقب علوی است، بخش زیادی از این برتری مربوط به تغزلات ابتدای قصاید است و این فاصله در ابیات مدح و منقبت کمتر میشود. همچنین در عرصه مأثورات غیرمشهور برتری مطلق با مناقب علوی است که نشان‌دهنده مطالعة شعرا در تفاسیر و کتب روایی است. این تلمیحات جدید مفاهیم تازه‌ای هستند که وارد ادبیات فارسی شده‌اند و از نقاط قوت شعر بازگشت محسوب میشوند. در قیاس مناقب خاص و عام بخوبی روشن میشود که دست شعرا در مناقب خاص امیرالمؤمنین (ع) بسیار باز بوده و براحتی توانسته‌اند در این عرصه جولان بدهند؛ اما در مناقب رضوی عرصه تنگ‌تر بوده و بیشتر به صفات و ویژگیهای عمومی امامان پرداخته‌اند. عجیب است که حدیث مشهوری چون سلسله‌الذهب در اغلب این قصاید مغفول مانده است.<sup>۱</sup>

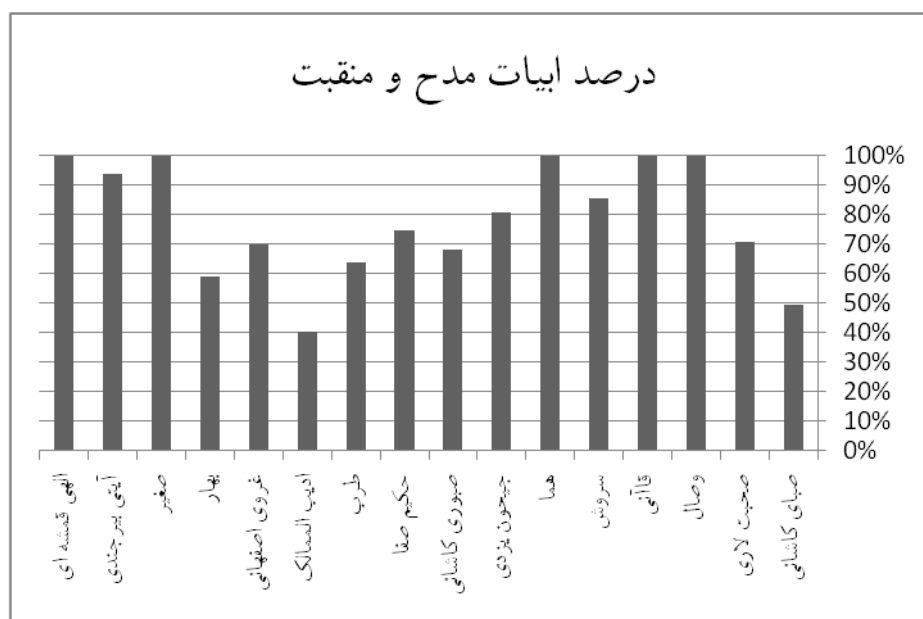
### بررسی محتوایی به تفکیک شاعر

تعداد ابیات شعرا در دو قصیده منتخبشان متفاوت است. ابتدا نمودار حجم سروده‌ها:

<sup>۱</sup> - لَمَّا وَافَى أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا ع نَيْسَابُورَ وَ أَرَادَ أَنْ يَرْحَلَ مِنْهَا إِلَى الْمَأْمُونِ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ أَصْحَابُ الْحَدِيثِ فَقَالُوا لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ تَرْحَلَ عَنَّا وَ لَا تُحَدِّثُنَا بِحَدِيثِ فَنَسْتَفِيدَهُ مِنْكَ وَ قَدْ كَانَ قَعْدَ فِي الْعَمَارِيهِ فَأُطْلِعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرٍ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ يَقُولُ سَمِعْتُ أَبِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ سَمِعْتُ جَبْرِئِيلَ يَقُولُ سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ مِنْ عَذَابِي فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا. (امالی، صدوق: ص ۲۳۵).



از این پس برای اینکه ملاک داوری یکسان شود از تعداد ابیات چشم میپوشیم و کار را با درصد پی میگیریم. بعنوان مثال منقبت‌سرایی مفید یا به تعبیری دیگر نپرداختن به تغزل که در نمودار بالا بشکل عددی مشخص شده بود، بشکل درصدی اینگونه میشود:



همانطور که دیده میشود شعرای حرفه‌ای‌تر مثل صبا و ادیب و بهار بیشتر به تغزل پرداخته‌اند و آنان که دغدغه مذهبی بیشتر داشته‌اند کمتر. دو استثنای بزرگ این امر قائمی و غروی هستند. قائمی رندانه در تغزلاتش با ممدوح

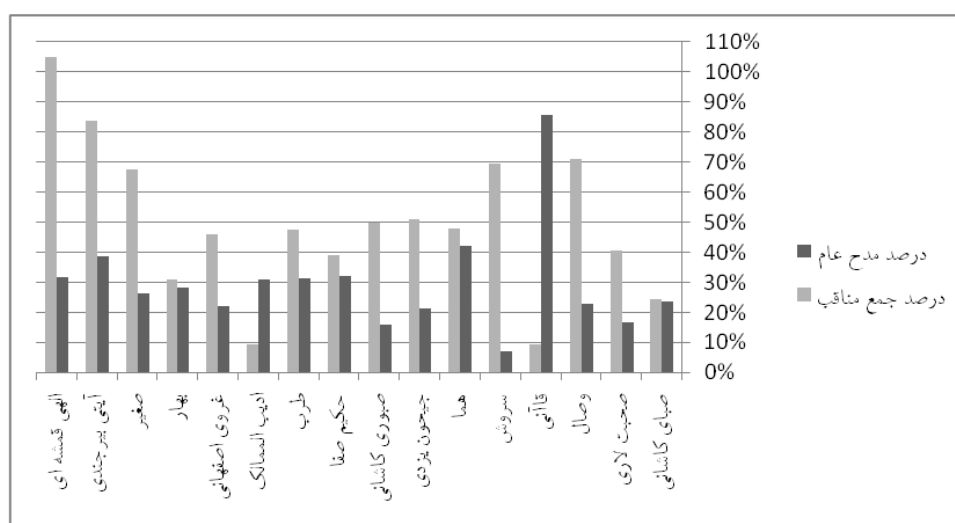
سخن گفته و به این ترتیب ابیات تغزل را هم جزو مدح بحساب آورده است. او در سروده‌اش برای امام علی (ع) پس از ۱۳ بیت تغزل می‌گوید:

سزد که سجده برم پیش طبع قآنی      کزو نهفته همی مدح شاه دین خیزد

آیت‌الله غروی چنانکه در نمودارهای بعدی دیده خواهد شد، در شاعری بیشتر به طنطنه کلام پرداخته است تا مضمون و میتوان او را شاعری کاملاً مقلد محسوب کرد. چند بیت از آغاز قصیده او در مدح امیرالمؤمنین (ع) چنین است:

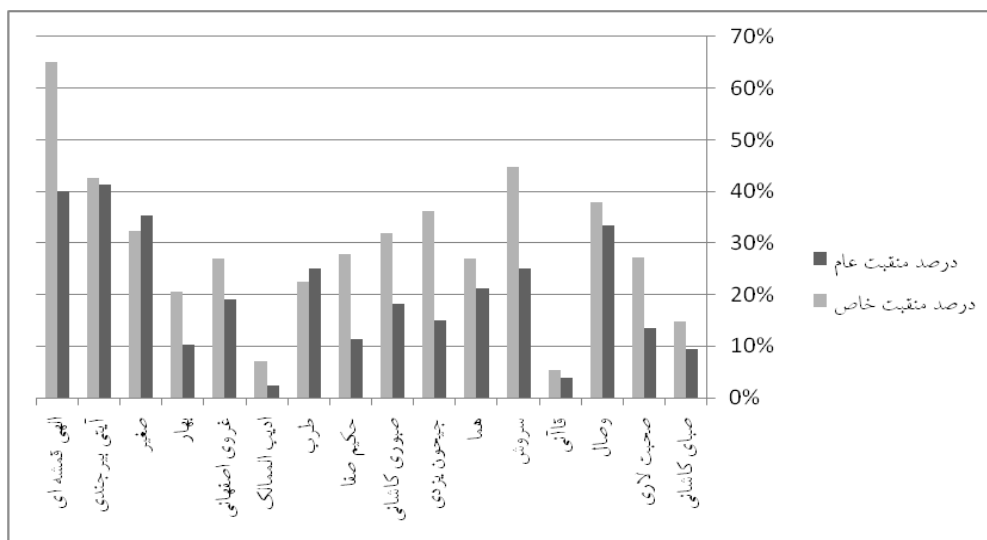
|                                   |                                   |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| بوی گل و سنبل است یا که هوای بهار | زمزمه بلبل است یا که نوای هزار    |
| نفخه روح القدس میرسد از بزم انس   | یا که نسیم صبا میوزد از کسوی یار  |
| لاله خودرو برست ژاله به رویش نشست | بوی خوشش کرده مست هرکه بدی هوشیار |
| چرخ مرصع کمر چتر ملمع به سر       | گـوهر انجم کند بر سر مردم نثار... |

میزان پرداختن شعرا به مدایح عام و مناقب به ترتیب زیر است. در این نمودار مناقب عام و مناقب خاص جمع شده‌اند. این نمودار میزان مدح (درباری یا تقلیدی) و منقبت (حاصل اطلاعات دینی) را می‌سنجد.



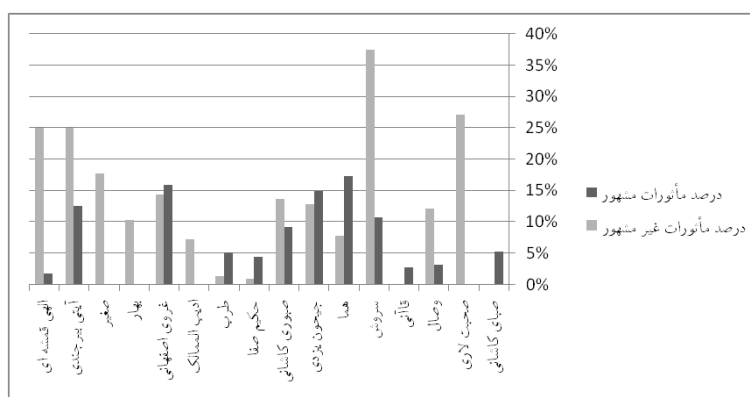
توضیحی درباره آمار بالاتر از صد درصد شعر الهی قمشه‌ای ضروری است: در برخی ابیات قصیده الهی قمشه‌ای چند منقبت مأثور در یک بیت دیده میشود و همین امر باعث این آمار غیرمتعارف شده است. اما تحلیل نمودار: بی‌مایگی و تقلید که نقطه ضعف مکتب بازگشت محسوب میشود بوضوح در شعر قآنی بچشم می‌آید. او در اغلب ابیات مدایح کلی را به هم بافته است که میتوان آنها را برای هر ممدوحی، بزرگ و کوچک، آسمانی و زمینی، بکار برد. از دیگر سو اصالت شعر مذهبی در شعر کسانی چون سروش و وصال و آیتی و الهی بچشم می‌آید. اینان علاوه بر زبان‌آوری محتوایی نیز برای عرضه دارند. اگر بخواهیم دقیقتر به این مسئله بپردازیم باید نسبت مناقب

عام و خاص شاعران را نیز بسنجیم. هرچه مناقب عام بالاتر باشد، شعر کم‌مایه‌تر است و هرچه مناقب خاص پررنگ‌تر باشد، شعر دقیق‌تر است و شاعر عمیق‌تر.



آنچه در این نمودار شگفت است وضعیت صغیر است. دیوان او بکلی دیوان مدح امیرالمؤمنین (ع) است و مدح دیگر معصومین (ع) در حاشیه کار او قرار دارد. اما عجیب است که در مدح امام رضا (ع) ۵۰٪ ابیاتش منقبت خاص است و در مدح امیرالمؤمنین (ع) تنها ۳۵٪. ظاهراً گستردگی مناقب علوی در دیوان او باعث پایین آمدن محتوای شعرش شده است. جایگاه رفیع الهی و آیتی هم دیدنی است. ضمن اینکه وضعیت نسبتاً مطلوب صبا و سروش سابقه آنها را در سرودن منظومه‌های مذهبی یادآوری می‌کند. صبا *خداوندنامه* را سروده است و سروش *ردیبهشت-نامه* را.

آخرین نمودار مربوط به تلمیحات و مضامین مأثور است که چقدر در ادبیات سابقه داشته و چقدر جدید است و حاصل مطالعه شاعر و خلاقیتش در وارد کردن آن مفاهیم به شعر:



در اینجا ارج شعرایی چون صحبت و سروش و بهار و صغیر و آیتی مشخص میشود و از دیگر سو کم‌مایگی شعر قآنی و صبا بچشم می‌آید.

### نتیجه‌گیری

آنچه درباره شعر بازگشت می‌گویند، عموماً ناظر به شعر درباری عصر قاجار است؛ درحالی‌که شعر بازگشت نه منحصر به عصر قاجار است و نه محدود به شعر درباری و اتفاقاً نقطه قوت آن هم در خارج از محدوده تنگ شعر درباری قاجار قرار دارد. درست است که شعر بازگشت در بحث زبان، چیزی بر ادب فارسی نیفزوده و سرآمد زبان‌آوران این عصر کسی مثل قآنی است، با این ملاک عمده شعرای دیگر اعصار هم از درجه اعتبار ساقط میشوند و جز چند تن که در زبان صاحب سبکند، کسی باقی نمی‌ماند. نقطه قوت شعر این مکتب طرح مضامین و مفاهیم نو است که در شعر مذهبی اتفاق می‌فتد؛ شعری که بلحاظ فنی و زبانی قابل قبول است و ضعفی جز عدم نوآوری زبانی ندارد. شگفت است که در مطالعات شعر این مکتب اقسام شعر شیعی نادیده گرفته میشود؛ بگونه‌ای که اغلب درس-خواندگان ادبیات نه نوحه‌های یغما را شنیده‌اند و نه با منظومه‌هایی چون *اردیبهشت‌نامه*، *گنجینه اسرار* و *شاهدنامه* و ... آشناوند و نه حتی اسم قصیده‌سرایانی چون صحبت لاری و جیحون یزدی را شنیده‌اند و نه از نام‌آشنایانی چون سروش و وصال و صبوری و الهی قمشه‌ای و ... چیزی خوانده‌اند. اتهام مهم شعر بازگشت نداشتن خاستگاه عاطفی و فکری اصیل است و شعرای بازگشتی به تقلید در تفکر و احساس محکومند؛ اما چنانکه در این تحقیق نشان داده شد، بسیاری از مدایح و مرثیاتی این مکتب برخاسته از مطالعات و نوآوریهای محتوایی شاعران است. البته انکارشدنی نیست که معدودی از شعرای مداح، منقبت‌سرایی را هم در خدمت مدح قرار داده‌اند. البته سنجش حقیقی یا تصنعی بودن احساسات، مقوله‌ای دیگر است و ابزاری دیگر می‌طلبد که از عهده این مقاله خارج است.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

### REFERENCES

- Holy Quran  
Ahmadi Birjandi, A. & Naqavi Zadeh, R. (1998). Razavi praises in Persian poetry, Mashhad: Astan e Qods.  
Ahmadi Birjandi, A. (1992). Alavi praises in Persian poetry, Mashhad: Astaan e Qods.  
Ayati Birjandi, M. (1967). Divan, Tehran: University of Tehran.  
Dehkhoda, A. (2011). Loghat nameh. Tehran: University of Tehran.  
Ebrat Na'ini, M. (1997). Madinat al-adab. Tehran: Majles.



- Elahi Qomsheie, M. (1958). *Divan: The Blossoms of mysticism*. Tehran: Koorosh e Kabir.
- Forat e Koufi. (1989). *Tafsir e Forat al\_Koufi*. Tehran: Ministry of culture.
- Fotuhi, M. (2008). *Theory of Literary History*. Tehran: Sokhan.
- Gharavi Esfahani, M. (1993). *Divan*. Tehran: Dar al-kotob al-eslamieh.
- Hasakaani, O. (1990). *Shavahed al-tanzil*. Tehran: Ministry of culture.
- Majlesi, M. (1982). *Behar al-anvar*. Beirut: Dar ehyae al-torath al-Arabi.
- Meybodi, A. (1992). *Kashf al-Asrar*. Tehran: Amir Kabir.
- Mojaahedi, M. (1991). *A drop from the sea*. Qom: Hejrat.
- Nasr ibn Mozahem. (1983). *Seffin incident*. Qom: Mar'ashi lib.
- Qa'ani, H. (2011). *Divan*, Tehran: Neghah.
- Qomi, A. (1983). *Tafsir al-Qomi*. Qom: Dar al-Ketab.
- Qotb al Din Ravandi. (1988). *Al-Kharaej*. Qom: al-imam al-Mahdi.
- Saba, F. (1962). *Divan*, Tehran: Eqbal.
- Sadooq, M. (1982) *Ma'aani al-Akhbar*. Qom: Islamic Publications Office.
- Sadough, M. (1958). *Oyoun ol Akhbar al-Reza*. Tahran: Jahan.
- Sadough, M. (1983). *Al-Khesal*. Qom: Publication of the seminary teachers' association.
- Sadough, M. (1997). *Al-Amali*. Tehran: Ketabchi.
- Saffar, M. (1983). *Basaer al-darajaat*. Qom: Mar'ashi lib.
- Shafiei kadkani, M. (2011). *Periods of Persian poetry from the constitution to the fall of the monarchy*. Tehran: Sokhan.
- Shafiei Kadkani, M. (2011). *With lights and mirrors*. Tehran: Sokhan.
- Tabaresi, F. (1993). *Majma' al-Bayan*. Tehran: Naser khosrow.
- Tarab, M. (1963). *Divan*, Tehran: Forughi.
- Vesaal e Shirazi, M. (1999). *Divan: Kolliat*, Shiraz: Navid e Shiraz.

## فهرست منابع فارسی

قرآن کریم.

- ادوار شعر فارسی از مشروطه تا سقوط سلطنت، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰). تهران: سخن.
- الامالی، صدوق (ابن بابویه)، محمدبن علی. (۱۳۷۶) چاپ ششم، تهران: کتابچی.
- با چراغ و آئینه: در جستجوی ریشه‌های تحول در شعر معاصر ایران، شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰) تهران: سخن.
- بحارالانوار. مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۱) بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- بصائر الدرجات، صفار، محمدبن حسن (۱۴۰۱ ق). تصحیح محسن کوچه‌باغی، چاپ دوم، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- تذکره مدینه‌الادب، چاپ عکسی از روی نسخه به خط مؤلف، عبرت نائینی، محمدعلی مصاحبی (۱۳۷۶) تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- تفسیر القمی، قمی، علی‌بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق) تصحیح طیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب.

تفسیر فرات الکوفی، فرات کوفی، فرات‌بن ابراهیم (۱۴۱۰ ق) تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.  
الخرائج و الجرائح، قطب‌الدین راوندی، سعیدبن هبه‌الله. (۱۳۶۷) قم: مؤسسه‌الامام المهدی (عج).  
الخصال، صدوق (ابن بابویه)، محمدبن علی. (۱۳۶۲) تصحیح علی‌اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.  
دیوان حکیم قانی، براساس نسخه میرزاحمود خوانساری، قانی، حبیب‌الله (۱۳۹۰) تصحیح امیر صانعی. تهران: نگاه.

دیوان در غلطان، آیتی بیرجندی، محمدحسین (۱۳۴۶) تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
دیوان طرب، طرب شیرازی اصفهانی، ابوالقاسم محمدنصیر (۱۳۴۲) مقدمه و حواشی جلال‌الدین همایی. تهران: فروغی.

دیوان کمپانی، غروی اصفهانی، محمدحسین (۱۳۷۲) تصحیح سیدکاظم موسوی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.  
دیوان، صبا، فتحعلی‌خان (۱۳۴۱) تصحیح محمدعلی نجاتی. تهران: اقبال.  
شکوفه‌های عرفان، الهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۳۷) تهران: کورش کبیر.  
شواهدالتنزیل. خستکانی، عبیدالله‌بن احمد (۱۴۱۱ ق) تصحیح محمدباقر محمودی، تهران: وزارت ارشاد.  
عیون الاخبار الرضا (ع)، صدوق (ابن بابویه)، محمدبن علی (۱۳۷۸ ق) تصحیح مهدی لاجوردی. تهران: جهان.  
کشف الاسرار و عدة الابرار، میبیدی، احمدبن محمد (۱۳۷۱) تصحیح علی‌اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.  
کلیات، وصال شیرازی، محمدشفیع (۱۳۷۸) تصحیح محمود طاووسی. شیراز: نوید شیراز.  
لغتنامه، دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۹۰) نسخه نرم‌افزاری. روایت چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
مجمع‌البیان. طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۷۲) چاپ سوم، تصحیح محمدجواد بلاغی. تهران: ناصرخسرو.  
مدایح رضوی در شعر فارسی، احمدی بیرجندی، احمد و نقوی‌زاده، رشیدعلی (۱۳۷۷) چاپ سوم، مشهد: آستان قدس رضوی.

مدایح علوی در شعر فارسی، احمدی بیرجندی، احمد (۱۳۷۱) چاپ دوم، مشهد: آستان قدس رضوی.  
معانی الاخبار، صدوق (ابن بابویه)، محمدبن علی (۱۴۰۳ ق) تصحیح علی‌اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی.  
نظریه تاریخ ادبیات، فتوحی رودمجنی، محمود (۱۳۸۷) تهران: سخن.  
وقعة صفین، نصربن مزاحم (۱۴۰۴ ق) تصحیح هارون عبدالسلام محمد. قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.  
یک قطره از دریا، مجاهدی، محمدعلی (۱۳۷۰) قم: هجرت.

#### معرفی نویسنده

رضا بیات: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر رجایی، تهران، ایران.  
(Email: [bayat.dr@gmail.com](mailto:bayat.dr@gmail.com))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



#### Introducing Author

**Reza Bayat:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Tarbiat Dabir Rajaei University, Tehran, Iran.  
(Email: [bayat.dr@gmail.com](mailto:bayat.dr@gmail.com))